

عزت گزفته اند!!

احکام کسانی که

روح الله حبیان

نقل می کنند فردی که سرما خورده بود به شدت هوس خوردن ماست کرد و در نتیجه بین این هوس و تصور ضرر داشتن ماست برای بیماری اش دچار تناقض شد و از تصمیم گرفتن بازماند. هر چه با خود فکر کرد، دید نمی تواند از میل به خوردن ماست بگذرد. از طرفی هم اگر این غذا برایش ضرر داشته باشد، شرعاً خوردن آن جایز نیست. خلاصه برای رفع این مشکل کلاه خود را قاضی کرد و به این نتیجه رسید که برای خوردن ماست استخاره کند تا اگر خوب آمد اجازه کتبی خدای عالم، مشکل را حل کرده باشد. اما از قضا استخاره بد آمد. اما هوس ماست چیزی نبود که بتواند از آن بگذرد. به همین خاطر دوباره استخاره کرد که ماست را با نان بخورد، اما باز هم بد آمد... این داستان استخاره ده ها بار دیگر در خصوص ماست و خیار، ماست و پلو، سر کشیدن ماست از طغار، خوردن آن با نی و... هم ادامه یافت تا در نهایت تنها موردی که خوب آمد؛ آن بود که نان را در ماست تلیت کند و بعد با قاشق، نان ماست آلود را به هوا بیندازد و بخورد؟

داستان این بنده خدا تا حدودی شبیه حکایت برخی از جوانان است که هر چند در خصوص مسأله روابط دختر و پسر ده ها بار در سایت ها و وبلاگ ها و کتاب ها و استفتائات مراجع، حکم آن را خوانده اند و یا از روحانیون مختلف حکم آن را شنیده اند و تکلیف را می دانند، اما باز با دیدن یک روحانی برای چند صدمین بار می پرسند؛ حاج آقا حکم دوستی با جنس مخالف چیست؟ و تنها قصد و غرض شان هم آن است که در میان این سؤال و جواب ها بتوانند جواز نصف و نیمه ای بیرون بکشند و ماست خود را سربکشند. در هر حال، هر چند در شماره های گذشته به طور مفصل به مسأله روابط پسر و دختر پرداخته ایم، اما در این شماره به برخی از مسائل جزئی در این باره اشاره می کنیم، شاید برای برخی افراد فرجی حاصل شود

این امر به معنی برهم زدن هر نوع رابطه عرفی و عادی و کاری یا پرهیز از هر نوع آشنایی و ارتباط معقول نیست.

پس حرمت دوستی دو جنس مخالف نه ملازم با انزوای اجتماعی و دگم اندیشی (پافشاری روی تعصبات) و طالبانیسم است و نه مانع از شکل گیری شناخت و آشنایی که مقدمه ازدواج محسوب می گردد و این تهمتها به هیچ وجه به تفکر اسلامی و نظرات خاص مراجع تقلید ارتباطی ندارد.

ناگفته نماند که آنچه در خصوص مجاز بودن ارتباطات درسی و کاری و آشنایی های عرفی بیان شد، مشروط به برخورداری از دو شرط مهم عدم تحریک جنسی و دور بودن این رابطه از مقاصد احتمالی آینده است.

ارتباط - آشنایی - دوستی

و آشنایی مختصری از هم هستند. و یا در یک محیط آموزشی مانند یک کلاس دانشگاه اکثریت پسر ها و دختر ها همدیگر را تا حدودی می شناسند و چه بسا روابط عادی درسی یا عرفی مانند سلام و علیک و یا مشارکت در فعالیت های جمعی درسی و پژوهشی با هم داشته باشند. اما آیا همه این ها به معنای دوستی است؟

نکته دقیق مسأله همین جاست که فقها و مراجع تقلید بخاطر مفاسد و خطرات جدی که در بستر دوستی بین دو نامحرم پدید می آید این کار را جایز نمی دانند. اما

از نظر اسلام، روابط زن و مرد نامحرم با محدودیت های بسیاری تعریف شده و ارتباطات عاطفی در حد دوستی های نزدیک جایز نیست. اما این به معنی قطع هر نوع ارتباط یا دیوار کشیدن بین پیاده رو و زنانه و مردانه کردن آن نیست!

برای توضیح این مطلب باید گفت چنان که می دانید روابط اجتماعی انسان ها شکل های متفاوتی دارد و برای هر نوع از این روابط تعریف معینی ارائه می شود. مثلاً در یک اداره زن و مرد همکار یقیناً با هم ارتباط کاری دارند و در عین حال نوعی آشنایی هم بین آن ها وجود دارد. همین گونه است در روابط خانوادگی و آشنایی های فامیلی که پسر ها و دختر های فامیل یا زنان و مردان یک خانواده یقیناً دارای روابط خانوادگی



دوستی چیست؟

برای بسیاری از افراد این سؤال جدی وجود دارد که واقعاً حقیقت دوستی چیست و به

چه نوع رفتارها و ارتباطهایی دوستی می‌گویند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت تعریف این مسأله تا حد زیادی عرفی است و نمی‌توان قانونی جامع و تعریفی دقیق در مورد آن ارائه کرد. اما به شکل مختصر می‌توان گفت؛ دوستی نوعی رابطه متقابل است که از نوعی علاقه و میل شخصی بین دو طرف نشأت می‌گیرد و لوازم طبیعی خود مانند ارتباط مستمر فیزیکی و اجتماعی یا فکری و روحی را به دنبال دارد. در واقع دوستی بین یک زن و مرد مفهومی عمیق‌تر از آشنایی و شناخت عادی اجتماعی دارد. بلکه نوعی رابطه و علاقه شخصی و ویژه است که البته دارای درجات و مراتب مختلفی است و ابراز این علاقه و صمیمیت و روابطی چون پیگیری احوال و افکار و تمایلات و نظرات فرد مقابل را به دنبال داشته، با لوازمی چون هدیه دادن و همراهی کردن در رفت و آمدها و تفریح‌ها و یا برقرار داشتن مستمر ارتباط از راه‌های گوناگون همراه است.

البته ممکن است در همه دوستی‌ها همه این علائم و ویژگی‌ها وجود نداشته باشد، اما لایق برخی از این امور در اکثر دوستی‌ها به چشم می‌خورد. مهم آن است که مجموعه روابط دو طرف از حد یک ارتباط و آشنایی ساده اجتماعی و عرفی خارج شده و نوعی صمیمیت شخصی و فردی در این رابطه شکل بگیرد. اینجا است که چنین رابطه‌ای بین دو نامحرم ماهیتی غیر شرعی پیدا می‌کند و باید به شدت از آن پرهیز نمود از عواقب سخت و خطرناک آن ترسید

آخه چرا؟

مشترک چنین علاقه شدیدی ایجاد شود، تبدیل به نتایجی می‌شود که غالباً در صفحه حوادث روزنامه‌ها یا در آمارهای دفاتر ثبت طلاق و یا زندان‌ها و دادگاه‌ها و... می‌خوانید و می‌بینید.

صنّار سی‌شاهی توفیر دارد! چون حقیقت عشق همان اوج محبت و علاقه قلبی است که مصداق حقیقی آن در رابطه با خداوند و شکل مجازی آن در بالاترین درجات بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و شکل قابل قبول آن بلکه فلسفه وجودی آن در انسان تنها در قالب زندگی مشترک و تشکیل خانواده تعریف شده است که عامل اصلی پایداری نظام خانواده و تحمل سختی‌ها و مشکلات احتمالی پیش‌رو است و وقتی چنین عشقی در بستر خانواده شکل می‌گیرد، به‌خاطر تنوع روابط و منطقی و همه‌جانبه بودن ارتباطات و درک کامل طرفین از یکدیگر شکلی واقع‌بینانه، معقول و هدفمند پیدا می‌کند.

اما وقتی در خارج از حوزه زندگی

هر چند این سؤال فقهی نیست و در چارچوب احکام شرعی تعریف نمی‌شود، اما برای بسیاری از جوانان این سؤال مطرح است که چرا دین اسلام تا این حد در خصوص این روابط سخت‌گیری کرده و این میل خدادادی در درون انسان باید سرکوب شود. به‌خاطر اهمیت این سؤال و ارتباط آن با حکم شرعی مسأله شاه کلید رمزگشایی این مسأله مهم را به اختصار بیان می‌کنیم!

دلیل این سخت‌گیری یک چیز است و آن هم «عشق»... دل‌تان غنچ نرود و ذوق نکنید (!) زیرا این عشق با آن عشقی که دهان جوانان را آب می‌اندازد



چندوقته عشق گرفتید؟

در واقع از نظر روان‌پزشکان - با عرض معذرت از همه عشاق مشهور و غیر مشهور عالم - چیزی که تحت عنوان عشق بین دخترها و پسرها شکل می‌گیرد، نوعی بیماری روانی محسوب می‌شود که مانع جدی در برابر زندگی عادی و رفتارهای طبیعی و تصمیم‌گیری‌های معقول در زندگی آن‌ها می‌شود و در عین شیرینی و جذابیت برای خود فرد، او را به سمت نابودی می‌کشاند. در واقع از افرادی که گرفتار چنین عارضه‌ای شدند باید پرسید «چرا خود را در معرض چنین بیماری قرار دادی؟» همانطور که از یک معتاد به مواد مخدر که لذت کشیدن مواد را به همه تبعات منفی آن ترجیح می‌دهد، همین سؤال را می‌پرسیم. چون در این وضعیت بسیار دیده می‌شود که جوان عاشق، علیرغم فهم و درک عقل خود و توصیه همه خبرخواهان و دوستان و بستگان دست به تصمیماتی می‌زند که پس از مدت کوتاهی حتی از یادآوری آن تصمیمات و رفتارها خیس عرق یا فروخته از خشم و نفرت از خود می‌شود و اگر کارش به خودکشی یا افسردگی حاد نکشد، تا آخر عمر از این رفتارهای خود پشیمان و متأسف خواهد بود. به همین خاطر اسلام خواسته زمینه شکل‌گیری این علاقه بیماری‌گونه که در نتیجه ارتباط نزدیک و توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی جنس مخالف است را تا حد امکان از بین ببرد تا علاقه طبیعی و معقول و عشق واقعی به جنس مخالف در گیر و دار ازدواج و زندگی مشترک و در بستر صحیح خود شکل بگیرد نه در بستری غلط که معمولاً نتیجه‌ای

جز تباهی زندگی انسان‌ها به دنبال ندارد.

حیف که از بحث احکام خودمان خیلی دور می‌شویم و آن‌ها را نکتات دقیق در خصوص نتایج و پایان کار این نوع عشق‌ها ارائه می‌دادیم تا روشن شود که بیش از ۸۰ درصد این عشق‌ها به ازدواج منتهی نمی‌شود و اگر هم بشود در بیش از ۸۰ درصد موارد به طلاق می‌انجامد.

Sms و Email عشقولانه تعطیل

اما به غیر از دوستی‌ها و ارتباطات دوستانه معمول، بسیاری از افراد هستند که دوستی‌های اینترنتی دارند و از طریق ایمیل و چت کردن با فردی از جنس مخالف آشنا شده و ارتباط برقرار می‌کنند و یا نوعی رابطه متقابل با آن‌ها دارند. آیا این نوع روابط اس ام اسی هم مصداق دوستی حرام به حساب می‌آید؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت متأسفانه در فضای اینترنت با ابزارهای گوناگون ارتباطی از آن‌جا که ارتباط مستقیم نبوده و افراد چندان احساس خطر نمی‌کنند، این ارتباطات خیلی زود نزدیک و صمیمی شده و به عرصه گفتگوهای ناشایست میل پیدا می‌کند و یا حریم‌های شرعی با ابزارهایی نظیر وب‌کم (webcam) زیر پا گذاشته می‌شود که یقیناً چنین ارتباطاتی حرام و غیرشرعی است.

اما اگر این ارتباط در حد نوعی آشنایی گذرا و با اهداف معقول باشد و رعایت حریم‌های شرعی و عرفی در آن بشود، علی‌القاعده مشکلی ندارد. مگر آن‌که خود مصداق نوعی دوستی شود. یعنی چت‌ها و smsها به نوعی عاشقانه و دوستانه شوند یا ارتباط طرفین کاملاً مستمر و نزدیک و مداوم شود که طبق تصریح برخی از مراجع این نوع رفتارها هم به‌خاطر مفاسد و خطرات احتمالی آن جایز نیست و مصداق دوستی غیرشرعی با جنس مخالف محسوب می‌شود.

در نتیجه اگر هم‌کلاسی دانشگاه هنوز هیچی نشده پسر خاله شده و هر روز smsهای عشقولانه می‌دهد که «همه گلوله‌های سفید خونم فدای همه باکتری‌های وجودت!» شما توجهی نکنید و پاسخ ندهید و از رنجش او هم ترسید که این پاسخ‌های ۱۲-۱۰ تومنی می‌تواند به قیمت ورود به عرصه خطرناک گناه و انحراف تمام شود!

عشق‌مان

پاک است؟!

متأسفانه در این عصر ارتباطات و انتقال وسیع اطلاعات، هنوز باورهای نادرست و تصورات غلطی در جامعه رواج دارد که زمینه‌ساز آلوده کردن مردم بخصوص جوانان به انواع آلودگی‌ها و گناهان خطرناک می‌شود.

یکی از این تصورات و برداشت‌های نادرست که جاهلانه یا مغرضانه ترویج می‌شود آن است که اگر پسر و دختری با هم دوست شوند و حتی کارشان به برخی روابط نامشروع هم بکشد، اگر بعدها با هم ازدواج کنند همه گناهان‌شان بخشیده می‌شود!

به قول مداح‌های قدیمی «قلم غفو بر جرائم اعمال‌شان کشیده می‌شود!»

در حالی که این تصور بچه‌گانه از اساس غلط است. پسر و دختر تا قبل از اجراء صحیح صیغه عقد شرعی نامحرم هستند و همه احکام روابط زن و مرد نامحرم بین‌شان برقرار است و هرگونه تخطی از این مقررات، حرام و گناه است و چه بعدها ازدواج کنند و چه نکنند، تنها راه بخشش این گناهان توبه و استغفار واقعی به درگاه خداوند است و البته بسیار خوب است کسانی در روابط پیش از ازدواج گرفتار گناه می‌شوند، با هم ازدواج کنند. چون به تصریح قرآن انسان‌های آلوده لایق ازدواج با افراد پاک نیستند و کبوتر با کبوتر زاغ با زاغ؟!

اما در هر حال علاوه بر شرمندگی و شرمساری از این آلودگی‌شان باید خالصانه در درگاه خداوند اظهار پشیمانی کنند تا خدا گناهان آنها را ببخشد.

در نتیجه چیزی تحت عنوان عشق پاک و روابط به قصد ازدواج و زن و شوهری که عقدشان در آسمان خوانده شده و یا دوستی‌های نامشروع برای سالم ماندن از گناهان بزرگ همه و همه توهماتی نادرست و برای فریب دادن خود است که باید متوجه این ترفندهای شیطان بود.

